کندوکاوی در شاخصه‌های مدیریت با محوریت مدیریت علوی

شیوا مداحیان [1]
زینب یعقوبی گلوردی [2]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۱۸

چکیده:

طراحی مدل مدیریتی بر اساس مبانی و اهداف علوی از ضرورتهای جامعه امرزی است وبررسی سیره امام علی(ع) مبین کاربرد این اصول به شکل کامل و متعالی در فعالیتهای رفتاری ایشان بوده است لذا امید است بررسی سیره این امام همام ما را از غفلتی که تا کنون در پرداختن به مسائل مذکور دامنگیرمان شده است رهایی بخشد . کتاب نهج‌البلاغه بعد از قرآن بزرگترین دستور زندگی مادی و ومعنوی و بالاترین کتاب رهایی بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است (وصیت‌نامه سیاسی الهی حضرت امام خمینی (ره)) و برپایی فرمان الهی مهمترین هدف سیاسی امام علی(ع) و حکومت نزد مولا به عنوان امانت الهی است . عدالت، صداقت، نظم و قانون از مهمترین مبانی سیاسی امام علی (ع) است و در حکومت ایشان عدالت علوی قربانی هیچ مصلحتی نمی‌شود . نظارت بر عملکرد مدیران ، نزد آن امام بزرگوار به عنوان بستری برای اعتماد عمومی است . بسیاری از دستورات اخلاقی مانند راستگویی، امانتداری،محبت ورزی، دانش دوستی در مکتب آن بزرگوار بسیار ارزشمند است .

واژگان کلیدی: نهج‌البلاغه ، امام علی(ع)، حکومت علوی ، مدیریت دولتی

---

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی کرمان
۲. دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی کرمان

مقدمه

بحث مدیریت همواره به‌عنوان یکی از عناصر مهم و کلیدی در طول تاریخ و تمدن بشری مطرح بوده است. انسان همواره در طول تاریخ با شیوه‌ها و روش‌های مختلف مدیریتی روبه‌رو بوده است و آن را تجربه کرده است. اگرچه، نوع مدیریت به فرهنگ و ارزش‌های موجود آن جامعه بستگی دارد و قطعا یک روش نمی‌تواند نسخه‌ای فراگیر برای همه جوامع مختلف باشد. در اسلام مدیریت بر اساس اندیشه الهی و معنوی با رویکرد «امانت الهی بودن» پایه‌گذاری شده است. از دیدگاه اسلام، درواقع مدیریت امانتی است که به مدیر واگذارشده است. اسلام همواره نگاه خاصی نسبت به مدیریت دارد و مدیریت و حاکمیت را به‌طور مطلق از آن خداوند می‌داند. پیامبران، امامان و اولیای خدا و صالحان هم بر اساس احکام، دستورات و فرمان‌های الهی نقش ارزنده‌ای را در هدایت بشر ایفا می‌نمایند.(قانع، امیررضا ؛ قانع، الهه ؛ اصغری، عبدالرضا ؛ زمستان ۱۳۹۷، شماره ۴)

نهج‌البلاغه بعد از قرآن کریم بزرگترین و پرمحتوی‌ترین کتاب دینی ماست که به اَخ ُ القرآن (برادر قرآن) لقب یافته است . مولف آن محمدبن حسین موسوی (ره) معروف به سید رضی که در سال ۳۵۹ هـ‌ق در بغداد در خانواده ای برجسته از خاندان علویان بغداد متولد شد . سید زضی در ادب ، بزرگی، عزت ، معرفت و حکمت انسانی بی نظیر بود .ایشان در سال ۴۰۰ هـ‌ق کتاب نهج‌البلاغه را تالیف نمود .(قربانی،حسین ؛نشر شوق، ۱۳۸۵)یکی از بهترین و کاملترین روشها و برنامه‌ها برای مدیریت جامعه اسلامی، استفاده از بیانات معصومین(ع) بویژه بهره گیری از اندیشه حکومتی مام علی(ع) است و برای دستیابی به اصول و اهداف کلی حاکم بر مدیریت ایشان راهی جز مراجعه به سخنان آن برزگوار و مطالعه سیره عملی و راهکارهای اجرایی ایشان نیست .

امام علی(ع) به عنوان یک انسان کامل به موضوعات و مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پرداخته و چشم اندازهای گرانقدر خویش را در دوران حکومت پنج ساله خود - که فصل درخشانی را در تاریخ حکومت‌های جهان رقم زده - عرضه کرده است، و نهج‌البلاغه مملو از مباحث نظری و عملی تراویده ازاندیشه و سیره آن حضرت در عرصه سیاست و حکومت می‌باشد.

نهج‌البلاغه یکی از ممتازترین متون اساسی دینی، حکومتی و زمامداری با رویکردی اسلامی به شمار می‌رود.بازگشت نظری و عملی به میراث اسلامی - سیاسی از لوازم بالندگی «تفکر و اندیشه» جدید است، و عمده‌ترین زیر بنای این میراث بزرگ، سیره معصومین علیهم السلام بالاخص سیره حکومتی امام علی علیه‌السلام، که بخش عمده آن در نهج‌البلاغه آمده، می‌باشد. (اکبری ،علی - رستمی، محمد رضا،شهریور ۸۹،ص۱)

نهج‌البلاغه مجموعه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار امام علی(ع) است که به همت سیدرضی جمع‌آوری وتنظیم شده است. در بخش نامه‌ها، مجموعاً ۷۹ نامه ذکر شده است که آن‌ها را از نظر موضوعی می‌توان به سه‌دسته تقسیم کرد: دسته اول نامه‌های اخلاقی و تربیتی است که مفصل‌ترین آن‌ها، نامه ۳۱ (توصیه‌های ایشان به فرزندش امام حسن یا محمد بن حنفیه) است؛ دسته دوم مکاتبات حضرت با معاویه؛ و دسته سوم (تقریبا ۳۹ نامه) مواردی است که امام

درباره مسائل حکومت و مدیریت، به مناسبت‌های مختلف، خطاب به کارگزاران کشوری و لشگری بیان فرموده‌اند. در واقع می‌توان ادعا کرد که نیمی از نامه‌های نقل شده از علی(ع) در نهج‌البلاغه، به مباحث حکومت و مدیریت اختصاص دارد. بیشـــترین توجه ایشـــان در این منشورها، عهدها و نامه‌های ابلاغ شـــده به کارگزاران و مدیران، به مســـأله نوع، الگو و شیوه حکومت و مدیریت بوده است.نهج‌البلاغه در سه بخش تنظیم شده است:

* خطبه‌ها به تعداد ۲۴۱ خطبه و شـــامل سخنرانی‌هایی اســـت که امیرالمومنین علیه‌السلام به مناسبت‌های متعدد ایراد فرمودند .
* نامه‌ها که مشتمل بر ۷۹ نامه از آن حضرت است که برای افراد متعدد نوشته بود.
* کلمات قصار یا حکمت‌ها که حاوی ۴۸۰ سخن کوتاه حکیمانه از امیر مومنان است و در یک بخش مستقل گنجانده شده است .

در پژوهـــش حاضـــر تلاش گردیده تا به تحقیق و تفحص و تاســـی از نامه‌هایی که آن حضرت برای افراد متعدد نگاشته اند(بخش دوم : نامه‌ها) نسبت به استخراج و ارائه راهکارهای عملی به جهت کاربست آن در مدیریت دولتی رایج اقدام گردد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر، پژوهشـــی کاربردی اســـت که به روش تحلیل محتوی انجام شـــده است و به شناســـایی مبانی حکومت (مدیریت)علوی جهت اســـتقرار و تداوم مدیریت دولتی کنونی با الهام از نامه‌هـــای آن حضرت که عموما مخاطب آن کارگزاران هســـتند می‌پردازد.هدف از این پژوهش شناســـایی مبانی حکومت علوی و اســـتخراج راهکارهای عملی به جهت کاربست آن در مدیریت دولتی نوین است . روش انجام تحلیل اسنادی به شیوه توصیفی-تحلیلی بوده و برای این منظور از نهج‌البلاغه ،منابع حدیث و سایر منابع معتبر در زمینه شیوه زندگی حضرت(ع) استفاده شده است . عنایت به اهداف این پژوهش، گوشـــه‌هایی از مبانی حکومت علوی و اندیشه‌های والای مدیریتی امیرالمومنین علی(ع) را با اســـتفاده از سرچشمه جوشان نهج‌البلاغه بازشناسی کردیم و در نتیجه برتری مدیریت اسلامی را که مبتنی بر وحی الهی است بر دیگر اقسام مدیریت نمایان ساختیم.

مبانی نظری تحقیق

آنچه در سعادت جامعه نقش اساسی دارد، شایستگی و جامع الشرایط بودن مدیران و کارگزاران آن جامعه اســـت. در سازمان‌ها نیز موفقیت سازمان در رسیدن به اهداف و مأموریت‌های سازمانی منوط به مدیرانی کاردان و لایق می‌باشد. بنابراین انتخاب کارگزاران و مدیران اصلح سزاوار توجه و بررســـی فراوان است و باید معیارهایی برای ســـنجش افراد و انتخاب ایشان در نظر گرفته شود. مســـلماً معیارهای ســـنجش در هر جامعه باید متناسب با ارزش‌ها و جهان بینی آن جامعه تعریف شود. جهان بینی مادی منحصر به جهان ماده می‌باشد ولی در جهان بینی اسلامی، هم این جهان و هم آخرت مورد توجه اســـت. در جهان بینی اســـلامی هدف صرفاً تولید بیشتر نیست بلکه هدف نهایی تعالی انسان و رسیدن او به جایگاه خلیفه خدا بر روی زمین می‌باشد. این تفاوت در جهان

بینی از تمایزات مدیریت اسلامی با مدیریت غربی می‌باشد که هر یک از این دو دیدگاه معیارهای سنجش خاص خود را دارند.(قربان نژاد،عیسی خانی،۱۳۹۲،ص ۱۷)

سازمانهای دولتی باید ارزش‌های اسلامی را به روشی صحیح متبلور سازند و کردار و عمل کارگزاران دولت باید منطبق با ارزش‌های والایی باشد که از جانب خداوند به بشریت ابلاغ گردیده است . (الوانی ،دانایی فرد،گفتارهایی در فلسفه تئوریهای سازمانهای دولتی) و در مدیریت اسلامی، بهترین مرجع برای یافتن معیارهای مناسب سنجش افراد، قطعاً سخن معصومین(ع) می‌باشد. سخنان امیرالمومنین(ع)، منبع ارزشمندی برای این منظور است زیرا سخن آن حضرت به دلیل معصوم بودن ایشان خالی از خطا و لغزش است. همچنین آن حضرت خود تجارب گرانقدری در زمینه خلافت مسلمین و همچنین فرماندهی در جنگ‌ها داشته اند و بر سرزمین گسترده اسلامی آن زمان حکومت نموده اند. اما آنچه از اهمیت بیشتری برخوردار است علم لدنی آن حضرت می‌باشد که از امتیازهای خاص ائمه معصومین(ع) می‌باشد.

اگر حساسیت مردم نسبت به صفات و شروط لازم برای زمامداران کاسته شود یا بی رنگ گردد، آنگاه هر بی صلاحیت و فاقد اهلیتی می‌تواند در رده‌های مدیریتی قرار گیرد و تباهی‌ها به بار آورد. امام علی(ع) چنین هشدار داده اند: «بی گمان مردمان هلاک شدند آن گاه که پیشوایان هدایت و پیشوایان کفر را یکسان شمردند و گفتند: هر که به جای پیامبر(ص) نشست، چه نیکوکار باشد و چه بدکار اطاعت او واجب است پس بدین سبب هلاک شدند» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷، صص ۹۹-۱۰۰).

یافته‌های پژوهش

در بخش نامه‌ها، مجموعاً ۷۹ نامه ذکر شده است که آن‌ها را از نظر موضوعی می‌توان به سه‌دسته تقسیم کرد: دسته اول نامه‌های اخلاقی و تربیتی است که مفصل‌ترین آن‌ها، نامه ۳۱ (توصیه‌های ایشان به فرزندش امام حسن یا محمد بن حنفیه) است؛ دسته دوم مکاتبات حضرت با معاویه؛ و دسته سوم (تقریبا ۳۹ نامه) مواردی است که امام درباره مسائل حکومت و مدیریت، به مناسبت‌های مختلف، خطاب به کارگزاران کشوری و لشگری بیان فرموده‌اند. در واقع می‌توان ادعا کرد که نیمی از نامه‌های نقل شده از علی(ع) در نهج‌البلاغه، به مباحث حکومت و مدیریت اختصاص دارد. بیشترین توجه ایشان در این منشورها، عهدها و نامه‌های ابلاغ شده به کارگزاران و مدیران، به مسأله نوع، الگو و شیوه حکومت و مدیریت بوده است(اعرافی، علیرضا، نگرشی به حکومت و مدیریت از منظر علی(ع))

ایشان در این نامه‌ها بیش از ۲۰۰ دستورالعمل در زمینه‌هایی مانند چگونگی ارتباط کارگزاران با مردم، ـ دوست و دشمن و نظیر آن ـ ذکر کرده‌اند که تجزیه و تحلیل این دستورالعمل‌ها ما را به اصول لازم در نگرش مدیر به مدیریت راهنمایی می‌کند.

با مطالعه و بررسی مکتوبات و نامه‌های حضرت، به خصوص عهدنامه مالک اشتر ۱ ـ مفصل‌ترین و جامع‌ترین منشور حکومتی و اداری علی(ع) ـ می‌توان به اصول کلی حاکم بر نگرش مدیران و

وظایف کلی آنان دست یافت .

ارکان اصلی مدیریت با توجه به سخنان ارزشمند حضرت علی علیه‌السلام عبارتند از:

۱- برخورد قاطعانه با خیانت کارگزاران:

امام علی(ع) در نامه‌های شماره (۳)و(۴۱) بطور صریح برنظارت دقیق برکار کارگزاران وتوبیخ خیانتکار در بیت المال اشـاره می‌فرمایند ایشـان در نامه شـماره ۳بر نظارت دقیق بر کارگزاران تاکید بسـیار دارند این نامه که در نوع خود بی‌نظیر اسـت، برخورد امام(علیه‌السـلام)را با یکی از قضات معروف خود به هنگام خریداری کردن یک خانه نسبتاً گران قیمت بیان می‌کند و محتوای آن این اسـت که بعد از نکوهش شـریح به علت خریداری این خانه، چیزی به نام سـند برای او تنظیم می‌کند؛ اما نه سندی مانند اسناد معمولی خانه‌ها، بلکه سندی بسیار عبرت انگیز و آموزنده که ناپایداری دنیا و بی‌اعتباری آن را کاملا برملا می‌سـازد و نشان می‌دهد چه اندازه مردم گرفتار غفلت و غرورند و از واقعیات دنیا دورند و به تعبیر امام(علیه‌السـلام)، اگر شـریح این سند اخلاقی را قبلاً مشاهده می‌کرد از خرید آن خانه صرف نظر می‌نمود.

اما چرا امام(علیه‌السلام)چنین برخوردی با شریح کرد؟ ایشان میخواهد خواهد بفرماید: کسی که قاضی بر جان و مال و ناموس مردم اسـت باید سـاده زیسـتی را پیشه کند و الگوی مردم در این قسمت باشد.

و در همین راستا در نامه (۴۱) هشدار به توبیخ خیانتکار در بیت المال می‌دهد: این نامه، بنابر معروف به عبد الله بن عباس نوشته شده است و امام(علیه‌السلام)او را به جهت عدم رعایت موازین صحیح در بیت‌المال سرزنش و نکوهش کرده است وهمچون پدری دلسوز و با محبّت که فرزندش را در راه خطا می‌بیند، بر او بانگ می‌زند و فریاد می‌کشد و او را بر مسیر صحیح فرا می‌خواند، ابن عباس را زیر رگبار سرزنش‌های خود گرفته است.

در بخش اوّلِ این نامه، احسان خود را به او یادآور می‌شود که وی را به عنوان یکی از خواص خود به یکی از مهم‌ترین مقام‌ها؛ یعنی فرمانداری بصره منصوب کرده است.

در بخش دوم به بدی‌های او نسبت به خود اشاره می‌کند و وی را به سبب عدم رعایت موازین عدالـت در امر بیت‌المال نکوهـش می‌کند و به تقوای الهی وباز گرداندن اموال مسـلمین فرمان می‌دهد.

در بخش سوم سوگند می‌خورد که اگر فرزندانش حسن و حسین(علیهما السلام)با تمام قرب و منزلتی که نزد او دارند مرتکب چنین کاری شوند ملاحظه آنها را نیز نمی‌کند.

در چهارمیـن و آخرین بخش به او هشـدار می‌دهد که زندگی دنیا فانی وناپایدار اسـت و به زودی از این جهان چشـم می‌پوشد و در پیشـگاه عدل الهی حاضر می‌شود و باید در برابر اعمال خود پاسخ‌گو باشد و از بسیاری از اعمال خود پشیمان می‌گردد؛ اما پشیمانی‌اش سودی ندارد.

۲- هشدار در مورد استفاده ناروا از بیت‌المال:

حضرت در چندین نامه از جمله نامه شـماره (۵)(۲۰)،(۷۱) به ترتیب در خصوص اسـتفاده نـاروا از بیـت المال ، خیانت به بیت المال ، سـرزنش از خیانت اقتصادی ، به مدیران و کارگزاران

خود هشدار می‌دهد .

در نامه شـماره(۵)خطاب به اشـعث بن قیس فرماندار امام در آذربایجان میفرمایند مسـند مدیریت، امانتی الهی است که به مدیر سپرده شده است و او باید از این امانت الهی بشدت مراقبت کند . مولای متقیان علی علیه‌السلام درباره این امانت الهی می‌فرماید:

مدیریت و حکمرانی برای تو طعمه نیست؛ بلکه امانتی بر گردن تو است و کسی که از تو بالاتر است از تو خواسته تا نگهبان آن باشی . وظیفه نداری که در کار مردم به میل و خواسته شخصی خود عمل کنی، یا بدون ملاک معتبر و فرمان قانونی، به کار بزرگی ست بزنی . اموالی که در دست توست از آن خداوند می‌باشد و تو خزانه دار هستی تا آن را به من بسپاری . امیدوارم که برای تو بدترین فرمانرواها نباشـم و در نامه شماره(۲۰) نیز حضرت به کارگزاران خویش مؤکداً سفارش می‌کـرد در مصـرف بیت المال نهایت دقت و صرفه جویی را مراعات کرده و از اسـراف و ریخت و پاش به شدت بپرهیزند. در اینجا به یک نمونه از دستور آن حضرت در مورد صرفه جویی در کاغذ هنگام نگارش نامه اشاره می‌کنیم: «قلم هایتان را تیز کنید و سطرهایتان را نزدیک هم بنویسید، از زیاده نویسـی بپرهیزید، منظورتان را کوتاهتر بیان کنید. مبادا زیاده نویسـی و پرحرفی نمایید زیرا اموال مسـلمانان زیانی را بر نمی‌تابد». صرفه جویی خود آن حضرت در بیت المال مسلمانان به حدی اسـت که حاضر نشد برای پاسخگویی به کسانی که شب هنگام برای کار خصوصی به او مراجعه کرده بودند، از نور چراغ بیت المال استفاده کند و چراغ بیت المال را خاموش فرمود و از چراغ شخصی خود استفاده نمودند (خدمتی، ۱۳۸۱، ص ۲۹).

زمانی که یکی از کارگزاران آن حضرت دست تعدی به اموال مردم گشود، امام(ع) طی نامه ای به او نوشت: «پس، از خدا بترس و اموال این مردم را به آنان باز گردان که اگر این کار را نکنی و خدا تو را در اختیار من قرار دهد وظیفه ام را در برابر خدا نسـبت به تو انجام خواهم داد و با این شمشـیرم که هیچ کس را با آن نزدم مگر این که داخل جهنم شـد، بر تو خواهم زد» (خدمتی، ۱۳۸۱، صص ۲۷-۲۸)

در نظام اسـلامی، محیط اداره صرفاً نباید برای کار باشد، بلکه باید کانونی برای تربیت نیروها نیز باشـد، حتی تنبیهات و تشـویقات در اسلام بیشـتر جنبه تربیتی دارند. لاجرم آیین نامه‌های انضباطی باید به گونه ای تنظیم شوند که تأدیب و تربیت هر دو در آن‌ها لحاظ گردند. «تأدیب» به معنای مانع ایجاد کردن در مقابل افرادی اسـت که کار خلاف انجام می‌دهند. در کنار تأدیب، «تربیت» نیز باید باشـد؛یعنی افراد متخلف را پس از بازداشـتن از عمل نامشـروع، باید به سوی هدف مطلوب هدایت نمود.

بنابرایـن، برای پیش گیری از وقـوع جرم، باید راه‌هایی در پیش گرفـت. بعضی از این راه‌ها عبارتند از:

الف) همان گونه که در بخش‌های پیشین گفته شد، امیرمؤمنان علی(علیه‌السلام) تمام تلاش خویش را به کار گرفت تا بر اساس اصل مهم رعایت «اهلیّتیا شایسته سالاری»، کارگزاران شایسته ای را بر انجام امور بگمارد؛ افرادی همچون عمّاریاسر، مالک اشتر نخعی، محمّدبن ابی بکر و کمیل

بـن زیاد که نه تنها افرادی لایق و کارآمد بودند، بلکه از نظر تقوا و صفات عالی انسـانی سـرآمد مردان روزگار خویش بودند.

بنابراین، کسانی باید برای تصدّی امور جامعه انتخاب شوند که دارای صلاحیت‌های اخلاقی و اجتماعی باشـند؛ فضایلی همچون تقوا، اطاعت از خداوند، پی روی از قرآن و سنن الهی، با دست و زبان و قلب در راهیاری رسانی به دین خدا بودن، درهم کوبنده هواها و شهوات نفسانی، داشتن حیا، از خاندان پاک دامن و صالح و اهل راستی و صفا بودن. همه این‌ها اموری هستند که انسان را از ارتکاب به خلاف بازمی دارند و در مسیر حق و انجام وظیفهیاری می‌رسانند.

ب)یکی دیگر از راه‌های پیش گیری از خلاف تشـویق مدیران و کارگزاران است. این کار، هم به کارمند موفق نیروی بیشـتری می‌بخشـد و هم در دیگران انگیـزه ایجاد می‌کند و هم موجب متنبّه شده متخلّفان می‌شود.

حضرت امیر(علیه‌السـلام) هنگامی که سعدبن مسعود فرماندار مدائن بود، برای او نوشت: «تو ای سعد! خراجت را پرداخت کرده ای، از پروردگارت اطاعت نموده ای و رهبر و امامت را خشنود کرده ای؛ مانند مرد نیکوکار و پرهیزگار و نجیب. پس خداوند گناهان تو را بیامرزد، کوشش تو را قبول کند و عاقبت تو را نیکو گرداند!»

این نامه نشـانگر آن اسـت که باید از افراد درست کار و مسـئولانی که عملکرد آنان صحیح اسـت، تقدیر و تشکر کرد و با این عمل، آن‌ها را برای فعالیت‌های مناسب تشویق و ترغیب نمود، تا اینکه به تعبیر خود حضرت، افراد خاطی و نیکوکار مسـاوی نباشند و برتری نیکوکاران معیّن و مشخص گردد.

ج) از دیگـر راه‌هـای پیش‌گیـری از عمـل خـلاف، تهدیـد مقامـات بالاتر اسـت. حضرت علی(علیه‌السـلام) در عهدنامه مالک اشـتر، خطاب به او فرمود: «همانا تو از آنان برتر، و امام تو از تو برتر، و خدا بر آن کس که تو را فرمانداری مصر داد والاتر است.»

بنابراین، چنین نیسـت که مدیریا کارمندی احسـاس کند که همه کاره اسـت و هیچ کس نمی‌تواند او را امر و نهی کند ویا در صورت ارتکاب خطا، توبیخ نماید.

امام علی(علیه‌السـلام) در نامه ای خطاب به زیادبن ابیه نوشت: «همانا من به راستی، به خدا سوگند می‌خورم! اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کرده ای، کمیا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شده و در هزینه عیال، درمانده و خوار و سرگردان شوی.» بنابراین، امام علی(علیه‌السـلام) با هر مدیری متناسـب با روحیه او برخوردی مناسب داشت؛ مدیری را به تقوا و اطاعت خدا امر می‌کرد و مدیری دیگر را تهدید می‌نمود.

نامه(۷۱)بـا عنوان سـرزنش از خیانت اقتصادی این نامه زمانی به «منذر بن جارود» نوشـته شـد که والی اصطخر (از نواحی فارس) بود و اخباری از سـوء اسـتفاده وی از اموال حکومت به امیرمؤمنان رسـید. امام با تمجید از پدرش «جارود عبدی» این فرزند را سـرزنش کرد و فرمود: درستی و پاکی پدرت سبب خوش‌بینی من به تو شد و گمانم بود که تو پیرو او هستی؛ ولی معلوم شـد تابع هوای نفس شـده‌ای و آخرت خود را به دنیا فروخته‌ای. آن‌گاه در تعبیری شـگفت‌انگیز

می‌فرماید: اگر اقوالی که درباره تو به من رسیده صحیح باشد، شتر خانواده و بند کفشت از تو باارزش‌تر است. در پایان نامه فرمان عزل او را صادر کرده و می‌فرماید: هنگامی که نامه من به تو رسید به سوی ما بازگرد.

همان گونه که در بالا آمد «منذر بن جارود عبدی» از طرف امام(علیه‌السلام) به فرمانداری بعضی از مناطق ایران منصوب شده بود و دلیل انتخاب او افزون بر حسن ظاهر، سابقه بسیار خوب پدرش «جارود عبدی» بود که از افراد بسیار با استقامت و مدافع اسلام در عصر پیغمبر و اعصار بعد بود؛ ولی «منذر» مانند بسیاری از افراد که وقتی به مقامی می‌رسند خود را گم می‌کنند، از مسیر حق خارج شد و به هوا و هوس پرداخت و از موقعیت خود غافل شد و اموال بیت المال را بی حساب و کتاب خرج می‌کرد. هنگامی که این خبر به امام(علیه‌السلام) رسید، نامه شدید اللحن مورد بحث را برای او فرستاد و او را به شدت توبیخ کرد و از مقامش عزل نمود.

۳- اخلاق اجتماعی:

حضرت علی(ع) در نامه‌های بسیاری به اخلاق اجتماعی مدیر تاکید می‌فرمایند که از جمله نامه‌های شماره (۱۸)، (۱۹)، (۲۷)، (۴۶)، (۵۳)، (۵۶)، (۶۹) می‌باشد . موضوع نامه شماره (۱۸) حضرت در خصوص روش برخورد با مردماست که در این باب مرحوم ابن میثم در مقدمه شرح این نامه می‌نویسد که ابن عباس بعد از آنکه از طرف امیرمؤمنان علی)علیه‌السلام(والی بصره شد نسبت به بنی تمیم راه خشونت را پیش گرفت؛ زیرا عداوت آنها را در روز جمل نسبت به امام) علیه‌السلام(و لشکر امام به خاطر داشت. آنها از پیروان طلحه و زبیر و عایشه در آن روز بودند و ابن عباس به آنها حمله کرد و آنان را دور راند و آنها را پیروان شتر و یاران عسکر ـ نام شتر عایشه عسکر بود ـ و حزب شیطان می‌نامید. این کار بر گروهی از شیعیان امام از بنی‌تمیم سخت آمد که از جمله آنها جاریهٔ بن قدامه بود. او نامه‌ای خدمت امام نوشت و از ابن عباس شکایت کرد و همین امر سبب شد که امام نامه مورد بحث را برای ابن عباس بنویسد.

در این نامه به چند امر اشاره می‌کند. نخست اینکه بنی تمیم طایفه‌ای هستند که مردان شجاع بزرگی دارند و حتی در زمان جاهلیّت و پس از آن در عصر اسلام کسی در دلیری بر آنان پیشی نمی‌گرفت. دیگر اینکه با ما خویشاوندی دارند و دستور صله رحم ایجاب می‌کند ما با آنها نیکی کنیم.

سرانجام امام به این نکته اشاره می‌کند که آنچه از خیر و شر بر زبان و دست تو جاری شود نتیجه نیک و بد آن دامان مرا نیز می‌گیرد، بنابراین نسبت به بنی تمیم خوش‌رفتار باش. قابل توجّه اینکه امام(علیه‌السلام) در دستوری که درباره مدارا کردن با مخالفان می‌دهد به این نکته اشاره می‌فرماید که تو نماینده منی و هر کاری از تو سر زند، هم به حساب تو می‌نویسند و هم به حساب من، بنابراین باید کاملاً مراقب باشی. این سخن مانندآن است که به علمای دین گفته می‌شود مراقب کارخود باشید زیرا کارهایی که شما انجام می‌دهید هم به حساب خودتان می‌نویسند و هم به حساب اسلام.

امام(علیه‌السلام) در آن جمله آخر هشداری به ابن عباس نیز می‌دهد که اگر خویشتن داری و مدارا را پیشه نکند ممکن است نظرش درباره او تغییر کند و این تأکید دیگری است بر دستوری که حضرت بیان فرمود.

در نامه شـماره (۱۹) حضرت امر به میانه روی در درشتی و نرمیمی فرمایند .امام علی(ع) در تبیین اخلاق مدیریت و شـیوه‌های برخورد مدیران با مردم، عالی‌ترین رهنمود را دارند تا مدیران بتوانند مردم را جذب کرده و رابطه صادقانه ای با مردم داشته باشند. حضرت در نامه(۱۹) به یکی از مدیران فرمود: «همانا دهقانان مرکز فرمانداریت، از خشـونت و قسـاوت و تحقیر کردن مردم و سـنگدلی تو شکایت کردند، من درباره آنها اندیشیدم، نه آنان را شایسته نزدیک شدن یافتم، زیرا که مشرکند، و نه سزاوار قساوت و سنگدلی و بدرفتاری هستند زیرا که ما با هم پیمانیم، پس در رفتار با آنان، نرمی و درشـتی را به هم آمیز، رفتاری توام با شـدت و نرمش داشته باش، اعتدال و میانه روی را در نزدیک کردن یا دور نمودن رعایت کن».

در نامه شماره (۲۷) همچنین به اخلاق اجتماعی و اخلاق مدیران اجرایی اشاره می‌فرمایند :با مردم فروتن و نرم و گشاده‌روی باش، و در لحاظ و نظر با همه یکسان، تا بزرگان در تو طمع ستم نکنند، و ناتوانان ازدادت ناامید نشوند، چه خدای بزرگ از کار بزرگ و کوچک و پوشیده و آشکار شما می‌پرسد پس اگر شکنجه دهد بستم ما است و اگر ببخشد بکرم او است.

بخشی از نامه شماره (۳۱) نیز من باب اخلاق اجتماعی است که حضرت به والیان و کارگزاران امـر می‌فرماینـد به نیکی‌ها امر کن و خود نیکوکار باش، و با دسـت و زبـان بدیها را انکار کن، و بکوش تا از بدکاران دور باشـی، و در راه خدا آنگونه که شایسته است تلاش کن، و هرگز سرزنش ملامتگران تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد. برای حق در مشکلات و سختی‌ها شنا کن، شناخت خود را در دین به کمال رسـان، خود را برای اسـتقامت برابر مشـکلات عادت ده، که شـکیبایی در راه حق عادتی پسـندیده اسـت، در تمام کارها خود را به خدا واگذار، که به پناهگاه مطمئن و نیرومندی رسـیده‌ای، در دعا با اخلاص پروردگارت را بخوان، که بخشـیدن و محروم کردن به دست اوست، و فراوان از خدا درخواست خیر و نیکی داشته باش. وصیّت مرا بدرستی دریاب، و به سادگی از آن نگذر، زیرا بهترین سخن آن است که سودمند باشد، بدان علمی که سودمند نباشد، فایده‌ای نخواهد داشت، و دانشی که سزاواریاد گیری نیست سودی ندارد.

نامه(۴۶) نیز در واقع دسـتورالعملی اسـت به یکی از کارگـزاران حکومت آن حضرت که در جمله‌های کوتاه و پر معنا او را مخاطب ساخته و آماده انجام وظیفه می‌کند. این نامه از سه بخش تشکیل شده است:

امام(علیه‌السلام) در بخش اوّل به مقام والا و شخصیّت برجسته کارگزارِ خود اشاره می‌کند تا او را برای پذیرش این مأموریت مهم آماده کند.

در بخـش دوم به فروتنی در برابر رعیّت و خوش‌رویی و ملایمت با مردم ومدارا و سـعه صدر توصیه می‌کند.

در بخش سـوم عدالت و مسـاوات در میان مردم را حتی در اشـاره و نگاه وتحیّت و تعارفات

معمولی به او گوشزد می‌فرماید مبادا زورمندان، طمع در تبعیض کنند و ضعیفان از عدالت مأیوس شوند.

از جمله کسانی که مخاطب در این نامه را مالک اشتر ذکر کرده‌اند مرحوم شیخ مفید در امالی صفحه ۷۹ و طبری مورخ معروف در تاریخ خود جلد ۴، صفحه ۷۱ در حوادث سال ۳۸ است.

۴- قدرت و توانایی

حضرت در نامه (۶۱) بیان فرموده اند یکی از ویژگی‌های مدیر شایسته، داشتن قدرت و توانایی است. زیرا مدیر قدرتمند و توانمند می‌تواند در جهت رسیدن به اهداف سازمان حرکت نماید و هر گونه مانع را از جا بردارد. امام علی(ع) در به کارگزار نالائق خود، عدم قدرت و توانایی او را تذکر می‌دهد و مورد ملالت قرار می‌دهد.

۵- تصفیه حکومت از عناصر فاسد

حضرت علی(علیه‌السلام) در اولین اقدام در زمینه اصلاحات اداری، استانداران خلیفه سوم را، که فقط بر اساس روابط منصوب شده بودند و از هیچ صلاحیتی برخوردار نبودند، عزل نمود. بسیاری از اطرافیان حضرت از جمله ابن عبّاس از سر خیراندیشی، خواستند امام عزل معاویه را به تأخیر بیندازد، اما امام که می‌دانست با سازش با ظلم و بیداد، نمی‌توان پایه‌های حکومت عدل و داد را استحکام بخشید، بلکه ریشه‌های نوبنیاد آن را هم سست خواهد نمود، پیشنهاد ایشان را نپذیرفت.آن حضرت پس از به دست گرفتن حکومت، بلافاصله نامه ای به معاویه نوشت و به او فرمان داد: پست فرمانداری شام را به سهل بن حنیف تحویل داده، به مدینه بازگرد: «از بنده خدا، علی امیرمؤمنان، به معاویهٔ بن ابی سفیان، پس ازیاد خدا و درود، می‌دانی که من درباره شما معذور، و از آنچه در مدینه گذشت روی گردانم؛ تا شد آنچه که باید می‌شد و بازداشتن آن ممکن نبود. داستان طولانی و سخن فراوان است و گذشته‌ها گذشت، و آینده روی کرده است. تو و همراهانت بیعت کنید و با گروهی ازیارانت نزد من بیا. با درود.»

۶- تنبیه مدیران

حضرت در نامه (۳۳) می‌فرمایند به دلیل آنکه حکومت مجموعه به هم پیوسته ای از حاکم، مدیران، کارگزاران و کارمندان است، از این رو، تمام اعضای آن باید همانند اعضای بدن عمل کنند،یعنی هریک از اعضای حکومت باید به وظایف خویش به درستی عمل نماید و به سوییک هدف معلوم حرکت نماید. اما اگریکی از آن‌ها به وظیفه اش عمل ننمود، کار حکومت با مشکل مواجه گردیده، رسیدن به هدف مشخص شده را نیز دشوار خواهد نمود بنابراین، حاکمیا مدیر و کارگزار جامعه مسئولیت سنگینی دارد و اگریکی از افراد مجموعه از انجام وظیفه اش سرباز زد ویا مرتکب خیانتی شد، صرف عزل از مقام و منصب کافی نیست، بلکه باید مجازات هم شود، تا هم خودش تنبیه شده باشد و هم درس عبرتی برای دیگران باشد.

۷- اخلاق مدیریتی

حضرت در نامه شماره (۷۶) هنگامی عبدالله بن عباس را به فرمانداری بصره منصوب فرمودند به ایشان متذکر شدند با مردم به هنگام دیدار در مجالس رسمی و در مقام داوری ،گشاده رو باش و اخشم بپرهیز که سبک مغزی تحریک شیطان است و بدان آنچه تو را به خدا نزدیک می‌سازد از آتش جهنم دور و آنچه تو را از خدا دور می‌سازد به آتش جهنم نزدیک می‌کند.

۸- آیین کشورداری

حضرت در نامه شماره (۵۳) که به عهدنامه مالک اشتر معروف است شامل پنجاه دستور مهم در یک فرمان است.

برای پی بردن به اهمّیّت این عهدنامه ـ پیش از آنکه محتوای آن دریک نگاه بررسی شود ـ توجّه به نکات زیر لازم است:این نامه طولانی ترین و پرمحتواترین نامه‌های نهج‌البلاغه است که آیین کشورداری را از تمام جهات بررسی کرده و اصولی پایدار که هرگز کهنه نمی شود در آن ترسیم شده است.

قابل توجّه اینکه ابن ابی الحدید در ذیل خطبه کوتاه ۶۸ (در شرح خود، خطبه ۶۷) از ابراهیم ثقفی نویسنده الغارات نامه ای نسبتاً مفصل و طولانی نقل می‌کند که علی(علیه‌السلام) به عنوان برنامه ای اخلاقی جهت تهذیب نفوس و پرورش روح و تقوا برای محمد بن ابی بکر نوشته است و در ذیل آن از همان مورخ (صاحب الغارات) نقل می‌کند که محمّدبن ابی بکر این نامه را در مصر پیوسته با خود داشت و در آن نگاه می‌کرد و به آداب آن متأدّب می‌شد. هنگامی که عمرو عاص بر او مسلط شد و او را شهید کرد تمام نامه‌های محمّد را گرفت و برای معاویه فرستاد. معاویه در این نامه پیوسته نگاه می‌کرد و شگفت‌زده می‌شد. سپس می‌گوید: ولید بن عقبه (برادر مادری عثمان همان کسی که قرآن، در آیه «إن جاءکم فاسق...» او را فاسق نامیده است) در آنجا نزد معاویه حاضر بود. هنگامی که شگفتی او را از این نامه ملاحظه کرد به معاویه گفت دستور ده تا این احادیث را بسوزانند. معاویه گفت: چقدر اشتباه می‌کنی. ولید گفت: آیا این صحیح است که مردم بدانند احادیث ابو تراب (علی بن ابی‌طالب) نزد توست و از آن درس می‌آموزی؟ معاویه گفت: وای بر تو به من می‌گویی علم و دانشی مثل این را بسوزانم؟ به خدا سوگند مطالب علمی جامع تر و استوارتر از این تا کنون نشنیده ام.

این عهدنامه سرانجام در خزائن بنی‌امیّه باقی ماند ولی هیچ کس آن را افشا نمی‌کرد تا زمانی که عمربن عبدالعزیز به حکومت رسید و آن را منتشر ساخت و جامعه اسلامی از آن بهره‌مند شدند.

گفتنی است که ابن ابی الحدید پس از ذکر این سخن از نویسنده الغارات می‌گوید: سزوارتر این است که بگوییم نامه ای که معاویه پیوسته به آن نگاه می‌کرد و تعجّب می‌نمود و بر طبق آن حکم می‌کرد همان عهدنامه ای است که علی(علیه‌السلام) به مالک اشتر نوشته بود، زیرا مردم آداب و قضایا و احکام و سیاست را از آن آموختند (ولی نامه محمد بن ابی بکر تنها متضمّن بحث

هایی اخلاقی بود) و باید گفت این عهدنامه هنگامی که معاویه مالک اشتر را مسموم ساخت و پیش از رسیدن به مصر شهید شد به وسیله ایادی او به معاویه منتقل گشت. وی پیوسته در آن می‌نگریست و شگفت زده می‌شد و مثل چنین عهدنامه ای است که باید در خزائن سلاطین نگاه داری شود.

به این ترتیب ابن ابی الحدید بر این اعتقاد است که آن نامه تاریخی فوق العاده که معاویه پیوسته از آن بهره می‌گرفت ولی افشا نمی کرد و سرانجام به وسیله عمربن عبدالعزیز کشف و افشا شد همین عهدنامه مالک بوده است. ما هم نظریه ابن ابی الحدید را کاملا تأیید می‌کنیم، زیرا قراین و شواهد مختلف بر آن گواهی می‌دهد.

بسیار مشکل است که انسان اختلافی در میان این عهدنامه و اعلامیّه جهانی حقوق بشر بیابد، بلکه تمام نکات اساسی موجود در این اعلامیه در عهدنامه امام(علیه‌السلام) دیده می‌شود. اضافه بر این در عهدنامه امام چیزی است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیست و آن عواطف عمیق انسانی است که بر تمام این نامه سایه افکنده است. باید توجّه داشت که اعلامیه جهانی حقوق بشر بیش از هزار و سیصد سال بعد از این عهدنامه، آن هم به کمک گروهی از متفکران از سراسر جهان تدوین شده ولی در عین حال هنوز نقایصی دارد و نقیصه مهم آن خالی بودن از مسائل معنوی و ارزش‌های والای انسانی است.(نویسنده معروف مسیحی جورج جرداق در کتاب خود به نام الامام علی صوت العدالة الانسانیة)

برای پی بردن به اهمّیّت این نامه لازم است اشاره ای به موقعیّت محل مأموریت مالک اشتر؛یعنی سرزمین مصر داشته باشیم. مورخان تقریباً اتفاق دارند که خاستگاه تمدن بشری، منطقه مشرق زمین و از جمله سرزمین مصر بوده است که در چندین هزار سال قبل، پیش از آنکه دیگر نقاط وارد تمدن شوند آنها پایه‌های تمدن بشری را گذاردند تا آنجا که «ویل دورانت» این منطقه را گهواره تمدن بشری نام می‌گذارد و در واقع چنین است و به همین دلیل پیامبران بزرگ الهی که پایه گذاران تمدن مادی و معنوی بوده اند نیز همگی از این منطقه برخاستند سپس پیام دعوت آنها به دیگر نقاط عالم منتقل شد. مورخ مزبور در جلد اوّل تاریخ تمدّن معروف خود ده‌ها صفحه درباره تمدن مصر باستان سخن می‌گوید. آثار مهمی که از آن زمان باقی مانده و هزاران سال است علی رغم دگرگونی‌های اعصار و قرون همچنان پابرجاست نیز نشانه دیگری از این تمدن کهن است. مصریکی از کانون‌های مهم علم و دانش بشری بود و مخصوصاً شهر اسکندریه بر اساس مدارک تاریخی‌یکی از مهم ترینِ آنها به شمار می‌رفت. مردم مصر نه تنها علومیونانیان را اقتباس کردند، بلکه خود علوم فراوان دیگری بر آن افزودند. در واقع مصر در حکومت اسلامی استان محسوب نمی شد، بلکه کشوری بزرگ و پهناور با مردمی هوشیار و تمدنی آشکار بود.

مصر در سال ۱۹ هجری در زمان خلافت خلیفه دوم به وسیله لشکر اسلام فتح شد و از آن زمان مصریان زیر پرچم اسلام قرار گرفتند و به سرعت ـ مانند ایرانیان ـ این آیین جدید را که دارای فرهنگ قوی و نشانه‌های حقانیّت روشن بود پذیرا شدند؛ اما متأسفانه بعضی حاکمان ظالم از طرف خلفا به زمامداری مصر برگزیده شدند. از جمله در زمان عثمان، عبدالله بن ابی سرح

زمامدار مصر بود که ظلم و ستم او بر مردم مصر سبب شورش آنها گشت و چنان که می‌دانیم دامنه این شورش به مدینه کشیده شد و خطای بزرگ خلیفه سوم به این شورش دامن زد، آنجا که فرمان عزل عبد الله را نوشت و به دست شورشیان داد تا به مصر برگردند و همراه آن نامه دیگری با شخص دیگر برای عبد الله فرستاد که هنگامی که شورشیان به مصر بازگشتند همه آنها را گردن بزنند. این نامه به دست آنها افتاد و از وسط راه بازگشتند و غائله قتل عثمان فراهم شد. امیرمؤمنان علی(علیه‌السلام) برای جبران خطاهای گذشته، نخست محمّد بن ابی بکر را برای حکومت مصر فرستاد و چون در عمل ثابت شد که او توان کشیدن این بار سنگین را ندارد، امام(علیه‌السلام) شخص توانا و قدرتمندی همچون مالک را برای این مأموریت برگزید و با همین نامه مورد بحث او را برای سامان بخشیدن به اوضاع این کشور پهناور به سوی مصر فرستاد و افسوس که جنایت معاویه نگذاشت این برنامه به انجام رسد و مردم مصر نفس راحتی بکشند.

به هر حال این عهدنامه دریک نگاه اجمالی از بخش‌های متعدّدی تشکیل شده است که ممکن است آن را ازیک نظر به پنجاه بخش تقسیم کرد:

۱. در بخش اوّل امام (علیه‌السلام) هدف اصلی اعزام مالک را به مصر در چهار چیز خلاصه کرده است: رسیدگی کامل به جمع آوری خراج و پیکار با دشمنان این سرزمین و اصلاح اهل آن و عمران و آبادی این سرزمین
۲. تأکید بر رعایت تقوا پیش از هر چیز و اهمّیّت نقش آن در زندگی انسان
۳. مبارزه با هوای نفس
۴. توجّه دادن مالک به موقعیّت محلّ مأموریت او
۵. توصیه به ذخیره عمل صالح و اجتناب از بخل
۶. تلاش و کوشش برای جلب رضایت رعایا و توده‌های ملّت
۷. نهی از سرکشی در برابر فرمان‌های الهی
۸. راه مبارزه با کبر و غرور ناشی از مقام
۹. رعایت عدل و انصاف در هر حال و پرهیز از هرگونه ظلم و ستم که سبب تغییر نعمت‌ها می‌شود
۱۰. باید محبوب ترین امور آن شمرده شود که جلب رضایت عامه مردم کند نه خواص
۱۱. برحذر بودن از وسوسه‌های عیب جویان و سخن چینان و تلاش در عیب پوشی مردم
۱۲. لزوم مشورت در کارها و برحذر بودن از مشورت با افراد بخیل و ترسو و دنیاپرس
۱۳. کنار گذاردن سردمداران حکومت‌های ستمگر پیشین و به عکس ارتباط داشتن با اهل ورع و صداقت و ایمان
۱۴. تشویق نیکوکاران و سرزنش و کیفر بدکاران
۱۵. جلب حسن ظن مردم از طریق احسان و نیکی و سبک کردن بار هزینه هاپ
۱۶. احترام به آداب و رسوم نیک پیشین
۱۷. تداوم نشست و مشورت با علما و خردمندان

۱۸. تقسیم رعایا به گروه‌های مختلف و رسیدگی به هر کدام طبق نیازها و موقعیّت‌ها
۱۹. نهایت تأکید بر رعایت حال قشر محروم
۲۰. ویژگی‌های فرماندهان نظامی و افسران لشکر
۲۱. توجّه خاص به سوابق اشخاص و خاندان‌های خوش نام و صالح
۲۲. ویژگی‌های فرماندهان ارشد
۲۳. تأکید بر اصل عدالت که مایه روشنی چشم زمامداران است
۲۴. ستایش از کارهای خوب نیکوکاران تا انگیزه ای برای همگان در کار نیک گردد
۲۵. سنجش ارزش کار هرکس بدون توجّه به موقعیّت اجتماعی
۲۶. مراجعه به کتاب و سنّت در حل مشکلات و استنباط احکام
۲۷. شرایط قضات و صفات لازم در آنها
۲۸. زیر نظر داشتن احکام قضایی قضات و تأمین کامل هزینه‌های زندگی آنها برای جلوگیری از ابتلا به رشوه‌خواری
۲۹. بیان معیار در انتخاب فرمانداران بلاد و پرداختن حقوق کافی به آنان و گماردن عیون (مأموران اطّلاعاتی) بر کارهای آنها
۳۰. سامان بخشیدن به وضع خراج و مالیات و توجّه به عمران و آبادی بیش از توجّه به جمع آوری خراج
۳۱. ویژگی‌های مربوط به دبیران و مسئولان اسناد و منشیان خاص و تقسیم کار در میان آنها به طور دقیق
۳۲. رسیدگی کامل به وضع تجار و صنعت گران و آنهایی که برای نقل و انتقالیا تولید نیازمندی‌های مردم صادقانه خدمت می‌کنند و نظارت دقیق بر معاملات، نرخ اجناس و مبارزه با احتکار
۳۳. باز هم تأکید بیشتر به قشر محروم و کم درآمد جامعه، و لزوم رسیدگی مداوم و خبر گرفتن از وضع آنها
۳۴. لزوم رسیدگی به وضع ایتام و کهن سالان
۳۵. تعیین وقت مشخصی برای ملاقات عمومی و اجازه دادن تماس مردم به طور مستقیم با زمامدارشان
۳۶. تعیین وقت خاصّ دیگری برای کارگزاران جهت حلّ مشکلات خاص آنها
۳۷. تنظیم برنامه دقیق برای کارهای مختلف روزها
۳۸. اهتمام به اقامه فرایض و اهمّیّت دادن به نماز جماعت و چگونگی برگزاری آن و تعیین وقت فراغتی برای ارتباط با پروردگار عالم
۳۹. فاصله نگرفتن از مردم برای مدّت طولانی
۴۰. چگونگی برخورد با همکاران خاص و صاحبان اسرار کشور
۴۱. رعایت دقیق حقوق همه اعم از افراد نزدیک و دور
۴۲. اعلام عذر موجه در برابر کمبودها و مشکلات و سوء ظن ها

۴۳. پذیرش دعوت دشمنان به صلح در عین رعایت هوشیاری در برابر آنان و احترام به قراردادهایی که با آنها برقرار می‌شود
۴۴. پرهیز شدید از خونریزی غیر مجاز
۴۵. پرهیز از هرگونه عُجب و خودبینی و خودپسندی
۴۶. بر حذر بودن از منت گذاشتن بر رعایا
۴۷. اجتناب از شتاب‌زدگی و عجله در کارها
۴۸. پرهیز از رانت خواری و گرفتن حق اختصاصی در مشترکات
۴۹. توجّه به سیره رسول خدا و انبیای الهی در تمام امور مربوط به زمامداری
۵۰. سرانجام دعا برای خود و مالک و درخواست رحمت و توفیق از پروردگار و سعادت شهادت

۸-۱- گشاده‌دستی

از عوامل محبوبیت انسان در جامعه گشاده دستی است و قهراً موجب پیشرفت و موفقیت مدیر در کار می‌باشد. بنابراین امام علی(ع) سخاوت و گشاده‌دستی را از معیارهای انتخاب مدیران دانسته است که البته این صفت فقط در مسائل مالی خلاصه نشده و سخاوت در کار اخلاق، همکاری و اندیشه و... را هم در بر می‌گیرد. آن حضرت فرموده اند: «ثُم الصِق بِذَوی... السَّخا» (قوچانی، ۱۳۷۴، ص ۱۳۹)

۸-۲- وفاداری

یکی از فضائل اخلاقی است که عموم افراد باید این ویژگی را در خود تقویت نمایند. به ویژه لازمست مدیران و کارکنان در مقابل سازمان متعهد شوند و تمام تلاش خود را برای دستیابی به اهداف سازمان به کار گیرند. امام علی(ع) در نامه ۵۳ به مالک اشتر فرموده است: «سپس با فرستادن مأموران مخفی راستگو و وفادار، کارهای آنان را زیر نظر بگیر» (خدمتی، ۱۳۸۱، صص ۱۳۳-۱۳۴)

۸-۳- تواضع و فروتنی

مدیر و مسئولی که خود را خدمتگزار مردم می‌داند، در رفتار خود با مردم متواضع و فروتن بود و به هیچ وجه در رفتارش با آنان برتری و سلطه گری وجود نخواهد داشت. امیرالمؤمنین(ع) در نامه‌ای که به یکی از والیان خود نوشته، چنین فرموده است: «در برابر رعیّت فروتن باش» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۴).

۸-۴- تسلط بر خشم

کسانی که دارای مقام و منصب هستند هر لحظه ممکن است که نیروی خشمشان طغیان کند و آنان را از حالت طبیعی و اعتدال خارج نماید و با کارکنان با حالت خشم و غضب برخورد

کنند و پیش آمدهای ناگواری رخ دهد که هم برای فرد و هم برای سازمان و جامعه مضر باشد. لذا لازمست که صاحبان مقام و منصب و مدیران دارای قدرت تسلط بر خشم و کظم غیظ باشند. امیرالمؤمنین(ع) در نامه به مالک اشتر فرموده اند: «آن کس را فرمانده لشگریان نما که از همه در علم و بردباری بالاتر باشد و از کسانی باشد که خشم او را فرا نگیرد و به زودی از جای خود بدر نرود».

۸-۵- عدالت و انصاف

امیرالمؤمنین(ع) در جای جای نهج‌البلاغه مردم و کارگزاران خویش را به اجرای عدالت توصیه می‌کند. در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر فرموده اند: «دوست داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق میانه ترین، و در عدل فراگیرترین، و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد، که همانا خشم عمومی مردم خشنودی خواص را از بین می‌برد، امّا خشم خواص را خشنودی همگان بی اثر می‌کند».حضرت در جای دیگری از فرمان تاریخی خود به مالک اشتر می‌فرماید: «انصاف برقرار کن میان خدا و مردم، و خویشتن و دودمان خاص خود و هر کس از رعیت که رغبتی به او داری و اگر چنین انصافی را برقرار نکنی، مرتکب ظلم گشته ای و کسی که به بندگان خدا ظلم بورزد خصم او خداست از طرف بندگانش و هر کسی که خدا با او خصومتی داشته باشد دلیلش را باطل سازد و او با خدا در حال محاربه است».

این عهدنامه را از زاویه ای دیگر می‌توان در ده محور خلاصه کرد:

۱. اهمّیّت ماموریتی که بر عهده مالک گذارده شده بود.
۲. تذکرات اخلاقی فوق العاده که در روش حکومت بسیار تاثیر گذار است.
۳. تقسیم رعایا و قشرهای مختلف مردم به چندین بخش از نیروهای نظامی گرفته تا ماموران جمع مالیات و کارگزاران حکومت و قضات و تجار و صاحبان صنایع و تعیین وظایف و ویژگی‌های مربوط به آنها
۴. اهتمام فوق العاده به طبقات محروم.
۵. لزوم تعیین وقتی برای ملاقات عمومی مردم و به اصطلاح دیدار چهره به چهره با ارباب حاجات.
۶. انتخاب مشاوران قوی و خردمند.
۷. جلوگیری از هرگونه رانت خواری و امتیاز طلبی.
۸. اهتمام به امر صلحِ آمیخته با هوشیاری در برابر دشمنان و پرهیز از هرگونه خونریزی بی دلیل.
۹. اهتمام به امر برگزاری فرایض دینی برای عموم مردم.
۱۰. دعا برای موفقیت جهت انجام این مسئولیت‌ها و کمک طلبیدن از ذات پاک پروردگار.

نتیجه‌گیری (تحلیل یافته‌های پژوهشی):

امروزه تمدن بشری و کیفیت زندگی مردم به کیفست و کمیت عملکرد سازمانها گره خورده است و در نتیجه پشرفت و عقب ماندگی کشور در گرو سلامت یا فساد سازمانها و بخصوص سازمانهای دولتی، که تجهیز و تخصیص و مصرف منابع عمومی یک کشور را در دست دارند بستگی دارد (قراسویی،۱۳۹۴،ص ۱)موضوع سلامت اداری و اداره حکومت سالم همواره یکی از دغدغه‌های سیاست گزاران و کارگزاران دولت هاست و توجه پژوهشگران رسته‌های مختلف را به خود جلب کرده است زیرا که یافته‌های تحقیقاتی نشان می‌دهد که فشاد اداری موجب کاهش نرخ رشد اقتصادی، گسترش فقر در جامعه، افزایش بی عدالتی (مقیمی، ۱۳۸۵، ۹۱) افزایش شکاف طبقاتی کاهش سرمایه‌گذاری (۰فرج پور،۴۳،۱۳۸۳-۴۵)دور کردن افزاد از فعالیت‌های مولد و استخدام افراد ناکارآمد و کنار گذاشتم افراد شایسته می‌شود(دانایی‌فرد، ۱۳۸۸، ۱۰۹-۱۱۰)

مدیریت سالم و سیستم اداری سالم پیش نیاز هر گونه تلاش برای پیشرفت کشورهاست و بی توجهی به این مساله می‌تواند به تضییع منابع عمومی و حتی از هم گسیختگی جوامع منجر شود و بی شک خلق و حفظ اداره سالم نیازمند نیاز به اصلاحات در همه ابعاد سیلسی،اقتصادی،فرهنگی و مدیریتی دارد .برای نیل به اصلاحات مذکور در نهج‌البلاغه به عنوان یکی از منابع اصیل و پربار مدیریت اسلامی که حاوی نکات ارزنده و دقیق سنت حکمرانی و مدیزیتی امام علی(ع) و حتی پیامبر (ص) است می‌تواند بسیار الهام بخش و راگشا باشد بویژه اینکه جامعه و فرهنگ ایرانی به نهج‌البلاغه اعتقاد داشته و تعلق‌ها و مفروشات اهداف و روشها و راهکارهای اخذ شده از آن با فرهنگ بومی، مبانی فکری و ارزشهای جمهوری اسلامی تناسب و تطابق دارد.

انسان‌ها موجوداتی مدنی بالطبع هستند. پس برای ادامه و اداره زندگی اجتماعی خویش، ناگزیر به تشکیل حکومت می‌باشند. از این رو، اموری باید مورد توجه قرار گیرند. برای اداره بهتر جامعه، باید تقسیم کار انجام پذیرد و افرادی برای تصدّی مسئولیت‌ها تعیین گردندهمه کارگزاران در کنار هم، مجموعه ای را تشکیل می‌دهند که در جهت اداره بهتر جامعه و رسیدن به هدف از تشکیل حکومت، گام بر می‌دارندهریک از اعضا و کارگزاران باید دارای صلاحیت لازم برای اداره جامعه باشد. و اگریکی از اعضا فاقد صلاحیت و ویژگی لازم باشد، چرخه اداره جامعه با مشکل مواجه خواهد شد بنابراین، حاکمان و کارگزاران ذی‌صلاح باید تحت نظارت مستمر باشند تا همواره صلاحیت آنان مورد بازبینی قرار گیرد و با آسیب‌شناسی رفتار آنان، با متخلّفان برخورد مناسب صورت پذیرد.

در دیدگاه امام علی(علیه‌السلام)، فلسفه حکومت احیای حق، انهدام باطل و رساندن انسان از خاک به خداست. این آرمان والا جز با حکومت صالحان تحقق نمییابد. روشن است که امام باید کارگزاران خویش را از میان بهترین‌ها و نخبگان انتخاب کند تا اشتباهات و انحرافات احتمالی به حداقل برسند .

بررسی‌ها و تحلیل‌های این تحقیق نشان می‌دهد با توجه به نامه‌های حضرت در نهج‌البلاغه

۱۰مولفه برخورد قاطعانه با خیانت کارگزاران، هشـــدار در مورد استفاده ناروا از بیت المال، اخلاق اجتماعی، ضرورت ساده زیستی، ضرورت خودسازی، بسیج کردن مردم برای جهاد، مسئولیت‌های فرماندهـــی، روش برخورد با دنیا، روش مناظره با دشـــمن ، تـــلاش در جهت تحقق وحدت و علل نابودی ملت‌ها با اســـتقرار و تداوم مدیریت دولتی نوین رابطه مســـتقیم دارد و با عنایت به اینکه نهج‌البلاغـــه با فرهنگ بومی کشـــور ما تطابق دارد توجه به مبانی بیان شـــده در آن جهت تحقق سلامت اداری در کشور ما کاملا ضروری است.

فهرست منابع

۱. قانع، امیررضا ؛ قانع، الهه ؛ اصغری، عبدالرضا ؛ مجله رهیافت فرهنگ دینی ، شماره ۴ سال اول زمستان ۱۳۹۷ ،کندوکاوی در شاخصه‌های مدیریت اسلامی؛ با محوریت مدیریت علوی مقاله ،
۲. دشتی ، ترجمه ؛ ۱۳۹۵؛ نهج‌البلاغه ؛ ص ۳۶۹-۴۸۰
۳. قراســـویی،ابراهیم،مرداد ۱۳۹۴؛ شناســـایی مولفه‌ها و شـــاخص‌های سیاسی موثر بر مدیریت ســـالم با الهام از نهج‌البلاغه
۴. مردانی گلستانی،مهدی، میر شجاعی حقیقی، مریم، مجله حدیث حوزه ،شماره ۱۰، سال ۱۳۹۴
۵. قربانی ،حسین،نشر شوق؛ سال ۱۳۸۵؛ آیین زندگی از نگاه نهج‌البلاغه
۶. الوانی،ســـید مهدی،دانایی فرد ،حسن؛ انتشـــارات صفار، ســـال ۱۳۸۸، گفتارهایی در فلسفه تئوریهای سازمان دولتی
۷. اکبری،علی،رســـتمی ، محمد رضا، شهریور ۱۳۸۹،مبانی حکومت وسیاست در نهج‌البلاغه ، مجله مدیریت بهره وری
۸. خنیفر،حســـین؛ مجله مدیریت فرهنگ سازمانی،شـــماره ۸، بهار ۱۳۸۴، ارائه الگـــوی مدیریت بومی مبتنی بر دیدگاه امام علی(ع) با استفاده از مدل مفهومی سه شاخگی
۹. قربان نژاد،پریسا،عیســـی خانی، احمد؛فصل نامه مدیریت تحول و توســـعه،۱۳۹۲ الگوی شایســـتگی مدیران بر اساس نهج‌البلاغه
۱۰. نهج‌البلاغه نامه شماره ۱۸
۱۱. نهج‌البلاغه نامه شماره ۱۹
۱۲. نهج‌البلاغه نامه شماره ۲۷
۱۳. نهج‌البلاغه نامه شماره ۳۰
۱۴. نهج‌البلاغه نامه شماره ۳۱
۱۵. نهج‌البلاغه نامه شماره۳۳
۱۶. نهج‌البلاغه نامه شماره ۴۶
۱۷. نهج‌البلاغه نامه شماره ۵۳
۱۸. نهج‌البلاغه نامه شماره ۵۶
۱۹. نهج‌البلاغه نامه شماره ۶۱
۲۰. نهج‌البلاغه نامه شماره ۶۹